



گردشگری صنایع دستی

راهی تازه برای پیوند صنعت گردشگری و سنت

دارهای نادر



مسیر دویست کیلومتری سفر ارزش این را داشت که ببینیم زیبایی پارچه های ابریشم و گلیم های کلات زیر سر چه کسانی است

خراسانیات

ویژه روز جهانی صنایع دستی

۱۸ صفحه ویژه گردشگری و هویت
۲۰ ژوئن ۲۰۲۰ | ۱۵ شوال ۱۴۴۱
شماره ۳۳۱ روزنامه شهرزاد



اشکبانه

اشکبانه و شاهکار سکه سازی / مروری بر تاریخچه سکه های ایرانی

کشف آتش و فلزات از مراحل مهم سیر تکامل بشر است. از وقتی زندگی اجتماعی شکل گرفت و بشر از گردآوری به یکجانشینی رسید، انسان ها احساس کردند برای گذران زندگی به کمک یکدیگر نیازمندند



ازدهاگشی با آمک!

تیشه معدن کاران در غفلت میراث فرهنگی این بار پیکر ازدهای خفته بر دامن «ازدرکوه» را نشانه گرفت

تیشه معدن کاران در غفلت میراث فرهنگی این بار پیکر ازدهای خفته بر دامن «ازدرکوه» را نشانه گرفت

در کرانه های ایران فرهنگی - تمدنی

بازدید از ازبکستان یکی از آرزوهای دیرینه دکتر جواد عباسی است و به همین خاطر حاضر نیست دیدار از سمرقند و بخارا را شرکت در کنفرانس بین المللی «نگهداری میراث فرهنگی محسوس و نامحسوس، مشکلات عملی و تدابیری برای حل آن ها» با وجود تداخل برنامه با سفر کا نادایش، این دعوت را می پذیرد. او در سفرنامه پیش رو که با عنوان «در کرانه های ایران فرهنگی تمدنی» در اختیار ما گذاشته شده برایمان از آداب و رسوم اهالی ایران باستان در ازبکستان امروز می نویسد.



دانشیار بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

پیش از توبوس های میهمانان در حرکت بودند. گفته شد وظیفه آن ها نه امور امنیتی و عملیات بلکه ارائه خدمات به گردشگران است و ایجاد آن بخشی از برنامه توسعه گردشگری در کشور است. پس از استقرار در هتل، راهی بازدید از دیدنی های شهر شدیم. نخست از ارگ جدید بخارا که پیشینه آن به قرن ۱۸ میلادی برمی گردد و تا آستانه قرن بیستم حاکم نشین بوده است دیدن کردیم. البته طبق معمول سخن از وجود ارگ های کهن تر از دوران اسطوره ای (افراسیاب و سیاوش) تا دوران سامانی و پس از آن نیز در میان بود، اما آنچه باقی مانده و قابل اثبات است همین بنای مربوط به دو سه قرن اخیر است که با کمک یونسکو بازسازی شده. در نگاه نخست، دیوارهای بلند، دروازه و برج های ارگ بیننده را مجذوب خود می کند و گذر از دروازه ارگ و حرکت در راهروی تقریباً صدمتری شیب دار و سر پوشیده آن، انسان را به گذشته های دور می برد. وقتی هم با راهنماهای گردشگری و دست فروش ها و حجره دارانی سر صحبت بازمی شود که غالباً فارسی یا به بیان خودشان تاجیکی «گپ می زنند»، فضای فرهنگی تمدنی ایرانی کاملاً محسوس است و احساس خودمانی بودن شدیدی به انسان دست می دهد. از قرار معلوم گویش فارسی تاجیکی همچنان در این شهر و نیز سمرقند چیرگی خود را نگه داشته است، گرچه رسمیت زبانی همچنان از آن ترکی

نیشابور، شهری با تاریخی بزرگ اما نشانی اندک



خانه استاد پرویز مشکاتیان تخریب شد. این خبر برای اهالی فرهنگ و هنر ناراحت کننده است اما کسانی که با تاریخ خراسان و نیشابور آشنا باشند بیش از دیگران از فقدان چنین مکان ارزشمندی اندوه خواهند خورد زیرا تاراج و تخریب اقوام مهاجم «غز» و «مغول» و زلزله های فراوان از این شهر تاریخی تقریباً هیچ نشان ارزشمندی بر جای گذاشته است. شهری که روزگاری پایتخت تمدن ایران بود و محل زندگی ابوسعید و عطارها و حسنگ ها. شاید اگر مقبره دوران تیموری عطار در دهه های اخیر مرمت و بنایی چنین فاخر برای خیام در آن برپا نمی شد، حالا دیگر نامی از این شهر ارزشمند در میان زرق و برق شهرهای توریستی شنیده نمی شد. می گویم شاید ولی در این مطمئن هستم که اگر اراده ای برای هویت بخشی به این گنجینه عظیم خراسان وجود داشت، خیلی راحت می شد این شهر را به گردشگاهی برای زائران حرم حضرت رضا^(ع) و علاقه مندان تاریخ و ادب خراسان تبدیل کرد، همان ظرفیت و عشقی که پیکر استادی بدیل موسیقی خراسان را دوباره به خود خواند. این ظرفیت می توانست به فرصتی برای مرکز توجه قرار گرفتن این شهر زخم خورده از تاریخ تبدیل شود اما دریغ که مثل همیشه ما ماجم جرم از بیگانه طلب می کنیم، از بسترهای موجود غفلت می کنیم و به دنبال ساختن بناها و جاذبه های نامتعارف هستیم. وقتی روز ۱۴ خرداد خبر تلخ تخریب خانه استاد مشکاتیان توسط مالک آن منتشر و تصاویری از خانه قبل و بعد از تخریب به اشتراک گذاشته شد، دوباره این پرسش همیشگی مطرح شد که چرا این ضعف قانونی در جلوگیری از تخریب خانه های دارای ارزش فرهنگی برطرف نمی شود.

سفر با کرونا

- بهداشتی را در اینترنت جست و جو کنید.
- بهبتر است غذاها به صورت بسته بندی شده سرو شود.
- زیرانداز همراه داشته باشید و غذا را در محیط باز میل کنید.
- پیش از سفر درباره مراکز اقامتی رسمی و دارای مجوز از وزارت میراث فرهنگی و گردشگری در مقصد در اینترنت جست و جو کنید.
- ملحفه و روبالشی به تعداد نفرات به همراه داشته باشید.
- اگر اقامتگاه مطمئن پیدا نکردید در چادر مسافرتی بمانید.
- اگر قصد بازدید از جاذبه، بنای تاریخی یا موزه ای را دارید، صبر کنید تا خلوت شود.
- در داخل جاذبه ها، موزه ها و تمام اماکن سرپوشیده، حتماً از ماسک و فاسد نشدنی همراه داشته باشید.
- باشید تا نیاز به رفتن به رستوران کاهش یابد.
- رستوران ها و مجتمع های بین راهی دارای مجوز
- از وضعیت بیماری در مقصد مطمئن شوید.
- از وضعیت سلامتی خود اطمینان پیدا کنید.
- از سلامت خودرو و خود مطمئن شوید تا در حین سفر کمتر به مکانیک مراجعه کنید.
- قبل از آغاز سفر، محیط داخلی خودرو را با اسپری ضد عفونی کنید.
- اسپری الکل، زل، ضد عفونی کننده دست، ماسک و دستکش همراه داشته باشید.
- الکل را در یک بسته بزرگ برای استفاده کلی و در بسته های کوچک برای هر یک از همسفران تهیه کنید.
- الکل را پشت شیشه خودرو و مقابل آفتاب قرار ندهید.
- حتما مقداری غذای فاسد نشدنی همراه داشته باشید تا نیاز به رفتن به رستوران کاهش یابد.
- رستوران ها و مجتمع های بین راهی دارای مجوز

اژدهاگشی با آهک!

تیشه معدن کاران در غفلت میراث فرهنگی این باریکراژدهای خفته بردامن «اژدرکوه» را نشانگر گرفت



عکس: احمدحسینی/شهرآرا



شیماسیدی
sh.seyedi@shahrarnews.ir

روبه‌رویمان اژدرکوه است، کوهی افسانه‌ای که می‌گویند اژدهایی روی آن خفته است، همان اژدهایی که مانع رسیدن آب به کشف‌رود می‌شد و سام، پدربزرگ رستم، پهلوان منشان به میدان آمد، اژدها را از میان برداشت و جسدش را در همان حوالی رها کرد و آب را دوباره به کشف‌رود و آرامش را به زمین برگرداند. فردوسی بزرگ هم درباره‌اش نوشت: «کشف‌رود پر خون و زرداب شد / زمین جای آرامش و خواب شد» اما انگار حالا خبری از آن آرامش نیست و پهلوانی هم به میدان نیامده تا جلو یک جاعه را بگیرد. کامیون‌ها یکی پس از دیگری از دامن کوه بالا می‌روند. معدن کاران از اژدهای خفته بر دامن کوه هم‌واهمه‌ای ندارند. به جانش افتاده‌اند و درست در محل فرم‌زنگ، که در افسانه تعبیر به خون اژدها شده، تیشه‌هاشان را فرو آوردند و در چندین نقطه زخم بر پیکرش زدند. آن هم تنها به بهای برداشت اندکی آهک، آهکی که به‌وفور در خراسان و ایران موجود است.

به داد اژدرکوه برسید

هنوز پرورنده معدن دیزدر باز است و پاسخ درخور توجهی از سوی مسئولان برای نابودی سنگ‌نگاره‌های چندین هزارساله ارائه نشده است. کسی هم به پای میز محاکمه کشانده نشده است. این بار تیشه معدن کاران به ریشه تاریخ اسطوره‌ای‌مان می‌خورد. اژدرکوه یکی از کوه‌های ارزشمند تاریخ اسطوره‌ای ایران است که در شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه از آن نام برده شده است. نمای این کوه که در نزدیکی روستای تاریخی فارمد و در محاصره معادن سیمان و آهک قرار گرفته، امروز برده شده از حفره‌هایی که تنها برای برداشت آهک و گچ خاکی، در دل آن ایجاد شده است. خبر این فاجعه را محمد صاحبکار، یکی از اهالی زادگاه فردوسی، می‌دهد. می‌گوید: «به داد اژدرکوه برسید! حدود ۲ سالگی می‌شود که معدن کاران شروع به برداشت آهک از این کوه کرده‌اند و به همین بهانه یکی از زیباترین کوه‌های خراسان را که ارزش تاریخی نیز دارد در آستانه نابودی قرار داده‌اند.»

به سرمایه‌هایمان راه به همین ارزانی قربانی می‌کنیم!

محمد صاحبکار دانش‌آموخته تاریخ و اهل



عکس: احمدحسینی/شهرآرا

ادبیات یا گردشگری نیست، اما به‌خوبی قدر اژدرکوه را می‌داند. او که از کودکی در دیار فردوسی قد کشیده و هر شب با داستان‌های شاهنامه به خواب رفته و هر روز صبحش را با نگاه کردن به این کوه تاریخی آغاز کرده به‌خوبی می‌داند اژدرکوه به مراتب بیش از آهکی که از آن برداشت می‌شود برای ایران ارزش دارد. اگر به این کوه نگاه کرده‌اید، می‌تواند در کنار کشف‌رود و روستای پاژ، یک مثلث طلایی گردشگری شود که هر روز توریست‌ها برای بازدید از آن صف بکشند. این در حالی است که امروز تنها برای برداشت آهک چندین حفره در دل آن ایجاد شده و منظرش را نابود کرده است. او می‌گوید: «نامش اژدرکوه است اما ما محلی‌ها به آن هجده کوه هم می‌گوییم زیرا یک سلسله کوه یا دره‌های فراوان و سرسبز است که سالانه کوهنوردان زیادی برای صعود به اینجا می‌آیند. از سر اژدها صعود را شروع و طول کوه را پیمایش می‌کنند. اژدرکوه ارتفاع زیادی دارد و با صعود به آن، همه دشت زیر پایتان قرار می‌گیرد.» او ادامه می‌دهد: «متأسفانه ۲ سالگی می‌شود که به اسم معدن آهک، شروع به نابودی کوه کرده‌اند. هر چند متر یک جارا منفجر کرده و یک بیل مکانیکی بردند و کوه را زخمی کردند. وقتی معدنی روی کوه

هیچ گزارشی مبنی بر ارزشمند بودن کشف‌رود به دستمان نرسیده است

از سال ۹۲ که ماده ۲۴ قانون معادن مبنی بر لزوم دریافت استعلام از حدود ۸ نهاد از جمله میراث فرهنگی برای صدور مجوز بهره‌برداری معادن تصویب شده، اداره صنعت، معدن و تجارت استان مجوزی بدون رأی مثبت این نهادها صادر نکرده است. اما داستان اژدرکوه به پیش از تصویب این قانون برمی‌گردد. به گفته محمد توکلی، معاون امور معادن اداره صمت، اژدرکوه معدنی قدیمی است که مجوز بهره‌برداری آن حدود سال ۹۰ که هنوز قانون ماده ۲۴ تصویب نشده بود صادر شده است. بنابراین در آن زمان نیازی به دریافت استعلام از اداره میراث فرهنگی نبوده است. او توضیح می‌دهد: «اژدرکوه در این مدت

مجوز می‌گیرد، رسماً آن منطقه شخصی می‌شود و همین امر باعث شده است برای صعود کوهنوردان هم مشکلاتی ایجاد شود و عملاً حضور آنان کم‌رنگ‌شود.» او با دستاورد قایم را برابری ترسیم می‌کند و می‌گوید: «نگاه کنید. در همین چند متر ۳ حفره ایجاد کرده‌اند. به جز این، حفره‌های بیشتری هم هست. معدن سیمان در همین نزدیکی ۵۰ سال است کار می‌کند اما یک‌هزارم این معدن دوساله آسیب‌زده است. آن‌ها تنها روی یک کوه کار می‌کنند اما این معدن هر چند متر یک حفره در دل کوه ایجاد کرده و همه‌جا را زخم زده و دائم از این حفره به آن حفره پریده است.» او با طرح این پرسش که «یعنی یک نفر پیدا نمی‌شود بگوید این کوه چقدر ارزشمند است؟» می‌گوید: «واقعاً آیا باید صورت یک کوه تاریخی را که می‌تواند سالانه چندین هزار گردشگر به منطقه بیاورد و درآمدی صدچندان داشته باشد این طور آسیب‌بزنند؟ آن هم در حالی که آهک ماده نایابی در خراسان نیست و تنها کافی بود یک کیلومتر آن طرف‌تر می‌رفتند و از جای دیگری برداشت می‌کردند تا به نظر این کوه تاریخی ارزشمند آسیب‌وارد نشود.» البته صاحبکار در این ۲ سال بیکار ننشسته و با همراهی علیزاده، رئیس شورای روستای فارمد، نامه‌ای در اعتراض به نابودی کوه تاریخی اژدرکوه خطاب به چند نهاد فرستاده، اما کسی صدایشان را نشنیده است. رسانه‌ای کردن موضوع تنها کاری بوده که برای نجات اژدرکوه به ذهن این هم‌ولایتی فردوسی رسیده است.

توقف معدن قبل از پایان اعتبار هزینه دارد

معاون اداره معادن استان در پاسخ به این سؤال که اگر میراث فرهنگی از همین امروز بگوید اژدرکوه ارزش تاریخی دارد چه اتفاقی می‌افتد می‌گوید: «تا زمانی که پروانه بهره‌برداری یک معدن اعتبار دارد، نمی‌توانیم سرمایه‌گذار را اودار به توقف کنیم. بر اساس تبصره ماده ۲۳ مصوب سال ۹۰ قانون معادن در مواردی که حقوق دارندگان پروانه و مجوز فعالیت‌های معدنی به دلیل ضرورت اجرای طرح‌های عمرانی دولت تضییع شود، دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موظف‌اند قبل از اجرای مراحل طرح مصوب برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری یا کارشناس نظام مهندسی معدن به پرداخت خسارت‌های وارده به سرمایه‌گذاری انجام‌شده به قیمت روز اقدام کنند.» بنابراین به گفته محمد توکلی، از آنجایی که مجوز معدن اژدرکوه کاملاً قانونی صادر شده و بر همین اساس حق برای سرمایه‌گذار این معدن ایجاد شده است، اگر دولت یا میراث فرهنگی بگوید مثلاً اژدرکوه قرار است ثبت جهانی شود یا ارزش تاریخی دارد باید فعالیتش متوقف شود، طبق ماده ۲۳ باید حق و حقوق بهره‌بردار را به صورت کامل پرداخت کند. بر اساس گفته‌های این مقام مسئول، جلوگیری از فعالیت معدن اژدرکوه غیرممکن نیست اما با توجه به سابقه اداره میراث فرهنگی، اجرای آن بعید به نظر می‌رسد. توکلی البته بحث وجود میلیون‌ها تن ذخیره آهک



در اژدرکوه و همچنین ملاحظات شورای معادن استان مبنی بر اشتغال‌زایی این معدن را هم پیش می‌کشند و می‌گویند: «تشخیص ارزش میراثی یا معدنی اژدرکوه در حوزه اختیارات من نیست و باید در شورای معادن استان بررسی شود.»

حفره‌های ایجاد شده در اژدرکوه مشکل قانونی ندارد

وجود چندین حفره در اژدرکوه در طول ۲ سال فعالیت آن در مقایسه با معدن سیمان که تنها فعالیتش را به بهره‌برداری از یک حفره در طول ۵۰ سال محدود کرده است، بحث دیگری است که توکلی در پاسخ به آن می‌گوید: «محدوده‌ای شامل ۲/۸۳ کیلومتر مربع به بهره‌بردار معدن اژدرکوه واگذار شده است و بهره‌بردار در این محدوده مجاز به استخراج است. علاوه بر این، بررسی‌های فنی استخراج بر عهده نظام مهندسی است و طبق آخرین گزارش معدن اژدرکوه، هیچ مشکل فنی‌ای در مراحل استخراج از این معدن وجود ندارد.»

اژدها خواب است یا میراث فرهنگی؟

با همه این بحث‌ها مهم‌ترین سؤال این است که آیا اساساً اژدرکوه از نظر میراث فرهنگی ارزش تاریخی دارد. اگر دارد، چرا تاکنون اقدامی برای ثبت ملی آن صورت نگرفته یا دست‌کم عرصه و حریم آن به عنوان مکان تاریخی ارزشمند به اطلاع سازمان صنعت و معدن نرسیده است؟ این سؤال ساده‌ای است که با وجود ۴ روز تماس پیاپی با معاون میراث فرهنگی، پاسخی برای آن نیافتیم. بنابراین باید گفت سؤال اساسی این است که اژدهای روی اژدرکوه خفته است یا اداره میراث فرهنگی؟

خراسانیات

اشنبه
۱۸ خرداد ۱۳۹۶
۱۴ ثور ۱۴۲۱ شماره ۲۱۱

یادداشت



مهدی سیدی

اژدرکوه، یادمانی از تلفیق جغرافیا، اسطوره و حماسه!

در فاصله چند کیلومتری شمال شهر مشهد، در جوار روستای «برزش‌آباد» ایضا فارمد (یا چنان که مشهدی‌ها تلفظ می‌کنند: پرمی) کوه منفرد سیاه‌رنگی به طول تقریبی دوسه کیلومتر و عرض تقریبی یک کیلومتر وجود دارد که از دیرباز «اژدرکوه» یعنی «اژدها کوه» خوانده شده است.

سبب این نام‌گذاری آن است که در دامنه جنوبی این کوه سیاه‌رنگ رگه سرخ‌رنگی به شکل اژدهایی هولناک (باتنه، دم و دهانی باز!) به طول تقریبی یک کیلومتر دیده می‌شود که اهالی را واداشته است آن لکه سرخ‌رنگ را جسد اژدهایی بپندارند و پس از آن به سراغ داستانی برای توجیهش بروند!

بدین سبب، اسطوره‌سازان باستانی ایران چنین گفته‌اند که آن اژدها روزگاری با بند آوردن آب کشف‌رود (رودی که زمانی شاه‌رگ حیاتی ولایت توس بوده، و در فاصله اندکی از کوه مزبور جاری است) خواب و آرام را بر مردم توس حرام می‌کرده، تا اینکه پهلوانی ایرانی تن به خطر داده و آن اژدهای کوه‌مانند را پس از پیکاری جان‌کاه، کشته و جسدش را از مقابل رودخانه به دور انداخته است!

گرچه اسدی توسی (در گرشاسب‌نامه) کشتن این اژدها را به «گرشاسب» نسبت داده، فردوسی در شاهنامه این دل‌آوری را به سام (پدر زال و جد رستم) مربوط دانسته است، و زمانی که زال دستان جوان دل‌باخته رودابه (دختر مهراب کابلی) شده و سام درصدد برآمد تا شاه ایران (منوچهر) را راضی به وصلت آن جوان کند، معذورانه از دینی که به گردن مردم ایران و توس در کشتن آن اژدهای مزاحم داشته، طی نامه‌ای به منوچهر شاه یاد کرده و گفته است:

به نیروی یزدان گسیبان خدای

برانگیختم پیلتن را ز جای

زدم بر سرش گرز گاوچهر

بر او کوه بارید گفستی سپهر

شکستم سرش چون سر زنده پیل

فرو ریخت زو زهر چون آب نیل

به زخمی چنان شد که دیگر نخواست

ز مغزش زمین گشت با کوه راست

کشف‌رود پر خون و زرداب گشت

زمین جای آرامش و خواب گشت

جهانی بر آن جنگ نظاره بود

که آن اژدها زشت پتیاره بود

مر سام یک زخم از آن خواندند

جهان زو و گوهر برافشانند

(شاهنامه، تصحیح دکتر خاکی، دفتر اول، پادشاهی منوچهر، ص ۳۳۳)

گرچه فردوسی در ادامه از انداختن جسد اژدها به دامن آن کوه (که از قضا با روستای پاژ، زادگاه شاعر، فاصله چندانی هم ندارد) چیزی نگفته، مردم چنین باوری داشته‌اند. لذا حدود ۵۰۰ سال بعد از فردوسی، مورخی نامی در عهد شاه‌ارخ تیموری (حافظ ابرو) ذیل معرفی روستاهای بلوک تبادگان مشهد و برزش‌آباد (البته با املا غلط روستاباد در نسخه‌ها) نوشته است: «اژدری که در شاهنامه ذکر می‌کنند که سام بکشت، و حالا دامن کوه بر شکل اژدری افتاده سرخ می‌نماید در قریه روستاباد از این بلوک بوده است» (جغرافیای تاریخی خراسان، تصحیح وهرام، ص ۶۰).

البته اهالی روستای برزش‌آباد حالا بدون تردید (!) کشته‌اند اژدها را حضرت علی^(ع) می‌داند و چاهی را هم نشان می‌دهند که معتقدند خون آن اژدها در آن چاه ریخته است!

دریغ که با وجود چنین پدیده‌ای طبیعی و اساطیری و ذکر سوابق اندر منابع شناخته‌شده‌ای چون شاهنامه، و هم‌جواری آن با زادگاه فردوسی، نیز نزدیکی‌اش به کشف‌رود اساطیری و واقعی (یا به قول مشهدی‌ها دریا!) مردم فرصت طلب و بی‌هویت روزگار ما درصدد تکه پاره و سوراخ‌سوراخ کردن این کوه مظلوم‌اند!

(۴)



کوه پیلاتوس

سویس

پیلاتوس، کوهی افسانه‌ای است که اروپایی‌ها معتقدند در قرون وسطی یک اژدها از آسمان فرود آمده و درون این کوه زندگی می‌کرده است. این کوه اکنون یک جاذبه گردشگری است که به قطار با شیب ۴۸ درجه و تله‌کابین مجهز شده است.



تصویرسازی: سیدرضا کاشانی